



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol. 4, No.1, Spring 2025



The Origin and Structure of Instrumental Rationality and Its Critique from the Perspectives of Philosophy, Economics, and Sociology

Smaeil keshavarzsafi yi

Assistant Professor, Law Department, Qazvin Branch, Islamic Azad University,
Qazvin, Iran



<https://doi.org/10.71908/rational.2025.1190556>

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	This research investigates the emergence and transformation of instrumental rationality across philosophy, economics, and sociology. Instrumental rationality, conceived as a means of acquiring knowledge, has undergone significant metamorphosis, particularly since the Enlightenment. The dualistic structures of subject/object, mind/experience, and means/ends have shaped this conception. While it initially aimed to optimize means for achieving goals, it gradually extended to artificial rationality constructs. The study critiques instrumental rationality's tendency towards reductionism, subjectivism, and ecological neglect, advocating instead for a holistic model that emphasizes human integration with nature and communal values. The analysis is based on a synthesis of philosophical, economic, and sociological perspectives. Keywords: Anti-Reductionism; Dualism; Ecology; Instrumental Rationality; Subjectivism
Received: 15/11/2024	
Accepted: 04/01/2025	
*Corresponding Author: Smaeil keshavarzsafi yi Address: Assistant Professor, Law Department, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. E-mail: keshavarzsmaeil@gmail.com	



پښتونستان د علومو او مطالعات فرېکونسي
پرتال جامع علوم انساني



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی کاوش های عقلی



خاستگاه و ساختار عقلانیت ابزاری و نقد آن از منظر فلسفه، اقتصاد و

جامعه شناسی

اسماعیل کشاورز صفی ئی

استادیار حقوق، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	هدف اصلی این پژوهش بررسی خاستگاه و ساختار عقلانیت ابزاری و همچنین نقد آن از چشم انداز فلسفه، اقتصاد و جامعه شناسی است. فرضیه اصلی پژوهش این است که عقلانیت ابزاری از دل ساختار و الگوی شناسایی عقل به مثابه ابزار شناخت حقیقت پدید آمده و دچار دگردیسی در علوم مختلف شده است.
مقاله پژوهشی	یافته های پژوهش حاکی از آن است که عقلانیت ابزاری به مثابه وسیله شناخت در فلسفه، اقتصاد و جامعه شناسی بر پایه ساختار دوگانه گرای ذهن و از دل ثنویت هایی چون معقول/محسوس، سوژه/ابژه، عقل/تجربه، هدف/وسیله، طبیعی/مصنوعی پدیدار گشته است و از عصر روشنگری با تمرکز بر ثنویت وسیله/هدف، بر مبنای جنبه عقلانی وسایل (گزینش بهترین ابزار حداکثر سازنده مطلوبیت) و غیرعقلانی هدف (امیال و ارزشها) تداوم یافت. با این وجود در پی جنبش های فکری نوینی که در علوم اقتصاد، جامعه شناسی، فلسفه، عصب شناسی، محیط زیست و علوم کامپیوتری رخ داده است، عقلانیت ابزاری و مبانی ساختاری آن مورد انتقادهای فراوانی شده است و گرایش به سمت نفی ابزارگرایی انسان و خردستیزی نمود بیشتری دارد. برآیند مشترک این نقدها بر نفی سوژه باوری، سلطه ابزاری، فردگرایی انحصاری، کامل-پنداری عقلانیت و لزوم توجه به یکپارچگی انسان با طبیعت، نفی برتری و استیلای انسان، تعامل و برهمکنش انسان با محیط پیرامونی حکایت دارد.
دریافت:	کلمات کلیدی: عقلانیت ابزاری، خردستیزی، ساختار، ثنویت، سوژه باوری
۱۴۰۳/۰۸/۲۵	
پذیرش:	
۱۴۰۳/۱۰/۱۵	

-نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: keshavarzsmail@gmail.com

۱- مقدمه

مفهوم عقل یکی از کهن ترین و دیرپاترین مفاهیم در سپهر اندیشه انسان است. علی رغم تنوع موجود در خصوص مفهوم عقل و انواع عقلانیت در میان اندیشمندان، آنچه بیش از هرچیزی می توان به عنوان ویژگی مشترک تعاریف عقل از آن یاد نمود، تلقی عقل به مثابه نیرو، قوه یا استعداد ذهنی انسان برای شناخت، ادراک و فهم و بطور کلی قوه معرفت (شناخت) جهت گزینش راه حل و تصمیمگیری است. (Kompridis, 2000: 271-295 / داودی، ۱۳۴۹: ۲۱ / غزالی، ج ۱: ۱۳-۱۶ و ج ۳: ۸۵ / ابن سینا؛ ۱۴۰۴ق: ۳۹-۴۱ / فارابی، ۱۳۶۱: ۸۴-۸۵). مطالعه خاستگاه پدیداری و دگرگونی مفهوم عقلانیت حاکی از آن است که این مفهوم از دل ساختاری معین برخاسته است و در طی زمان در علوم مختلف مورد دگرگونی واقع شده است. یکی از سویه های طبقه بندی عقلانیت، ثنویت عقلانیت ماهوی یا ارزش شناختی در برابر عقلانیت ابزاری است. در این طبقه بندی عقلانیت از حیث اینکه آیا صرفاً وصف انتخاب عقلانی ابزارها و وسایل مناسب (صرف نظر از ارزشگذاری هدف) جهت دستیابی به هدف است یا اینکه اهداف (نظیر عدالت، شادی، صلح و آزادی) فی نفسه و ذاتاً ارزشمند و قابلیت اتصاف و انتساب عقلانیت را دارند به عقلانیت ابزاری و ماهوی یا ارزش شناختی تقسیم می شود (جمشیدی ها، نادی، ۱۳۹۸: ۳۱-۳۲، Laudan, 1984: 47-49). در مورد مفهوم عقلانیت و ابعاد آن پژوهش های بی شماری از سوی اندیشمندان در فلسفه، اقتصاد و جامعه شناسی به عمل آمده است. نظیر: ۱- جمشیدی ها & نادی، "بررسی عقلانیت ارزششناختی و چگونگی حصول آن در اندیشه ماکس وبر" تجزیه و تحلیل منطقه خاکستری: ۱۳۹۸، مجله جامعه شناسی ایران ۲- قائمی نیا، علیرضا، "چیستی عقلانیت" ۱۳۸۳، مجله ذهن ۳- جوادی یگانه، محمدرضا، (۱۳۸۷)، رویکردهای جامعه شناسانه نظریه انتخاب عقلانی، مجله راهبرد فرهنگ، ۴- رنانی و دیگران (۱۳۹۱)، نقد عقلانیت کلاسیک؛ رویکرد عقلانیت محدود (مرزبندی شده) سایمون، فصلنامه اقتصاد تطبیقی. ۵- دهقانی، محمود "کاوشی در چالشهای پارادایم «عقلانیت ابزاری» در اقتصاد متعارف (با ارائه دیدگاه «عقلانیت محدود با رویکردی جدید)»، ۱۴۰۲، فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران. با این وجود آنچه تا کنون در محافل فکری کمتر بدان پرداخته شده است، خاستگاه پدیداری عقلانیت ابزاری و نحوه دگردیسی آن در طی تحولات اندیشه های فلسفی، جامعه شناختی و اقتصادی است. ضمن اینکه در آثار کمتری به بررسی همزمان تحولات مشترک عقلانیت ابزاری در علوم مختلف و تاثیرگذاری آن بر یکدیگر پرداخته شده است. در این مقاله بناست در گام اول نحوه پدیداری و دگرگونی عقلانیت ابزاری در فلسفه، اقتصاد و جامعه شناسی مورد بررسی قرار گیرد و سپس تکیه بر دستاوردهای نوین علوم انسانی و تجربی که دارای هم افزایی و تاثیر متقابل بر یکدیگر بوده اند، به نقد عقلانیت ابزاری بپردازیم.

۲- خاستگاه عقلانیت ابزاری در فلسفه

۲-۱ عقلانیت ابزاری در فلسفه یونان باستان

از زمان طلوع فلسفه در یونان باستان مسئله تحیر و دوسنداری شناخت حقیقت (هستی پیرامونی) و نظم حاکم در آن مورد توجه انسان قرار گرفت. ریشه عقلانیت در یونان باستان به واژگانی چون لوگوس و نوس باز می‌گردد. (Kirk, 1983: 204 & 235). (کاپلستون، ۱۳۶۸ الف: ۸۳). (کاپلستون، ۱۳۸۰، ب: ۴۵۳/ کلی، ۱۳۸۲: ۱۱۵) تاکید هراکلیتوس و آناکساگوراس و بعدها رواقیون بر عقلانی بودن تمام طبیعت و توانایی عقل به شناسایی تمام امور طبیعت، نشان دهنده سویه ابزاری و کامل بودن عقلانیت (تلقی عقل به عنوان ابزار درست شناخت حقیقت) می‌باشد. در اندیشه افلاطون، تلقی عقل به مثابه نیرو و ابزار ادراک و شناخت حقیقت، نمود بیشتری یافت هرچند برخلاف پیشینیان خود، عقل را از منشا طبیعی و محسوسات جدا نمود. از دیدگاه وی حقیقت امری ثابت و تغییرناپذیر است که در جهان دائما در حال دگرگونی محسوسات دست یافتنی نیست بر همین اساس قوای حسی انسان که با محسوسات سروکار دارد قادر به شناخت حقیقت نیست. حقایق ثابته ناظر بر امور کلی و ایده هاست که در عامل مثل یا ایده آل (عالم معقول) قرار دارد و ابزاری که قادر به شناخت و ادراک ایده ها و دانش کلی است، نیروی عقل (لوگوس) می‌باشد که این ابزار صرفا در اختیار انسان است. (سجادی، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۸/ افلاطون، ۱۳۷۴: ۳۷۴) همچنین افلاطون در علم النفس خود از واژه پسوخه به عنوان نفس استفاده نموده و آنرا در تمثیلی استعاری به ارابه ران و دو اسب تشبیه کرده است به گونه ای که عقل را به ارابه رانی تشبیه می‌کند که سوار بر دو اسب اراده و شهوت است. (کاپلستون، ۱۳۸۰: ۲۴۱) تشبیه مذکور بیانگر تلقی افلاطون از عقل به مثابه عالی ترین جوهر نفسانی است که متمایز از بدن و شهوات جسمانی و عامل مهار و کنترل آن محسوب می‌شود. ارسطو نیز هرچند از مرزبندی آشتی ناپذیر عالم معقول و محسوس افلاطونی رویگردان بود و راه شناخت حقایق و مفاهیم کلی را از طریق تجربیات جزئی حسی می‌دانست، اما همونا با افلاطون عقل را به عنوان نیروی کامل شناخت حقایق و مفاهیم کلی تصور نمود به نحوی که وی شناخت درست حقیقت (امر کلی) را محصول فرایند چهارگانه ادراک حسی، یادآوری، تجربه مکرر و انتزاع کلی می‌دانست و در تمام این مراحل، عقل را عامل تعیین کننده در نظر گرفت (ارسطو، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۵/ قنبری، ۱۳۹۶: ۴۵-۴۷/)

نفس عقلانی نزد ارسطو به منزله ابزار یا نیروی منفعلی است دارای توانایی فهم و شناخت است و در صورت فعلیت آن مبدل به عقل فعال می‌شود که موفق به شناسایی امر معقول گردیده است. (قنبری، ۱۳۹۶: ۴۹/ داودی، ۱۳۴۹: ۲۱). فیلسوفان و اندیشمندان اسلامی نظیر ابن سینا، فارابی، ابن رشد، غزالی، متأثر از مفهوم و طبقه بندی عقل بالقوه و بالفعل (فعال) ارسطو، عقل را به عنوان نیروی مدرک و شناسنده حقایق کلی (کلیات) تعریف نموده و مبادرت به طبقه بندی چهارگانه عقل هیولائی یا بالقوه (استعداد درک معقولات)،

عقل بالملکه (صول تصدیقات به یاری برهان و استدلال)، عقل بالفعل (استدلال و برهان آفرینی) و عقل بالمستفاد (اندیشه آگاهانه به صورت عقلانی فعلیت یافته) نمودند. (غزالی، ج ۱: ۱۳-۱۶ و ج ۳: ص ۸۵/ ابن سینا؛ ۱۴۰۴ق، : ۳۹-۴۱/ فارابی، ۱۳۶۱: ۸۴-۸۵) همانطور که ملاحظه می‌شود در فلسفه یونان باستان و فلسفه اسلامی (به خصوص مکتب مشاء) مقوله شناخت حقیقت به عنوان هدف و نیروی عقل به عنوان ابزار یا وسیله دستیابی به حقیقت پایه ریزی شد. بدین ترتیب خاستگاه پیدایش عقلانیت ابزاری را می‌توان در ثنویت وسیله (عقل) // هدف (شناخت حقیقت) و همچنین ثنویت سوژه (انسان تنها موجود خردمند) // ابژه (عالم محسوسات به عنوان موضوع شناخت) جستجو نمود. نگرش ابزاری به عقل (وسیله شناخت حقیقت)، خاستگاه عقلانیت ابزاری است.

۲-۲- عقلانیت ابزاری در اروپای قاره ای

پس از رنسانس و آغاز عصر روشنگری و علم-محوری، در تفکر اروپایی نوعی انشعاب بر اساس ابزار شناخت علمی و دستیابی به دانش به مثابه حقیقت بر پایه ثنویت افلاطونی معقول/محسوس و منطق دوگانه گرای قیاس/استقراء ارسطویی پدیدار شد. انشعابی موسوم به تجربه گرایی/خردگرایی. مبنای این ثنویت، گرایش به تجربه حسی یا استدلال عقلی به عنوان ابزار شناخت علمی و حقیقی بود. در اروپای قاره ای فیلسوفانی نظیر رنه دکارت، اسپینوزا و لایب نیتس، تجربه و ادراکات حسی را ابزار مناسبی جهت شناخت علمی و دستیابی به حقیقت تلقی نکردند و در مقابل عقل (استدلال و تفکر و تحلیل ذهنی) را به عنوان ابزار دستیابی به دانش حقیقی و شناخت معتبر جهان-شمول تلقی نمودند. این دسته از اندیشمندان با تکیه بر اصول منطق و ریاضی، استدلال های قیاسی (انطباق امر کلی بر مصادیق جزئی) و انتزاعی را به عنوان ابزار شناخت حقیقی معتبر دانسته و داده های حسی را به دلیل احتمال خطا بودن و عدم اصابت آن به حقیقت مردود می‌شمارند (Bourke, 1962: 263 / Lacey, 1996: 286، بریه، ۱۳۸۵: ۷۲-۸۷ / ۱۹۹-۲-۴). Leibniz, 1704: 150-15). برخی فیلسوفان نظیر کانت، ترکیبی از تجربه و تعقل را در دستیابی به شناخت علمی و حقیقی لازم دانسته‌اند. هرچند کانت را می‌بایست در تحلیل نهایی فیلسوفی خردگرا به حساب آورد و نقطه اوج خردگرایی اروپای قاره ای را در اندیشه های او جست. وی با طرح اندازی و ثنویت مشهور خرد نظری/خرد عملی، معیار استدلالها و فهم معتبر عقلانی را به عنوان خرد استعلایی ارائه نمود و بر وجود مفاهیم پیشینی عقلانی و مقدم بر تجربه (نظیر مفهوم زمان، مکان، بعد، عدد) که لازمه ادراک حسی هستند تاکید نمود. خرد استعلایی در ایده آلیسم آلمانی سده نوزدهم به اوج خود رسید. برآیند افکار فیلسوفانی نظیر فیشته، شلینگ و هگل، پدیداری خرد استعلایی در قالب مفاهیمی چون من مطلق یا روح مطلق بود. نوعی سوژه محوری محض که در آن عقل (من یا سوژه) با دیالکتیک با طبیعت (ابژه یا غیر-من) به خودآگاهی و

مطلق(اندیشه خود اندیش) می رسد(کاپلستون، ۱۳۹۰: ۶۰، ۴۳) خردگرایی اروپای قاره ای از اواخر قرن ۱۹ به تدریج دچار افول گردید که در بخش آتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۲- عقلانیت ابزاری در فلسفه انگلیسی زبان

در حوزه انگلیسی زبان، مسئله مواجهه فیلسوفان با عقلانیت همراه با پیچیدگی هایی درخور توجه است. بر خلاف آنچه تصور می شود، تقابل ابزارگرایانه تجربه گرایی با خردگرایی اروپای قاره ای در چهارچوب نفی ابزاری بودن عقل(وسیله شناخت معتبر) نیست بلکه آنچه این دو نحله فکری را از هم متمایز می سازد، مسئله اولویت در فرایند آغازین شناخت (اینکه آیا شناخت وادراک به قول کانت بر پایه پیش فرض های ماقدم و پیشینی عقلانی استوار است یا به زعم هیوم بر پایه ادراک حسی) و روش دستیابی به دانش(قیاسی یا استقرایی) است. در زمینه شناخت نظری هابز، لاک، بارکلی و هیوم با طرح اندازی مباحثی نسبتاً مشترک ضمن اذعان به اینکه ادراکات عقلانی مبتنی بر شهود، برهان، منطق و ریاضی، یقینی ترین و معتبرترین شناخت های انسان تلقی می شوند، به طور ضمنی به ستایش عقل و برتری آن نسبت به سایر شناخت ها پرداخته اند. همچنین در زمینه تجربه حسی به عنوان ابزار آغازین شناخت نسبت به امور واقع و طبیعت، هرچند وسیله آغاز شناخت را متعلق به ادراک و تجربه حسی می دانند، لیکن ادراکات حسی را به منزله تصورات(بسیط) یا انطباعاتی تلقی می کنند که در نهایت با محاسبات و سنجشگری خرد ابزاری، مبدل به تصدیقات و تصورات کلی و دسترسی به قوانین و معیار های معتبر و عام شمول می شود. (losee, 2001: 132-140، کاپلستون، ۱۳۸۲، ج ۵: ۲۹۲، ۲۷۲، ۱۲۷، ۸۴، ۵۱، ۲۹، ۳۰، ۳۵۲/نواک، ۱۳۸۴: ۳۷، ۴۶).

در حوزه عقل عملی، رویکرد خرد ابزاری در جغرافیای انگلیسی زبان به مدد ظهور مکتب فایده گرایی توسط اندیشمندانی چون بنتام و جان استورات میل، نمود بیشتری یافت. به گونه ای که نوعی گذار از ابزاری بودن خرد به شناخت بهترین ابزار جهت دستیابی به هدف رخ داد. بدین مفهوم که از زمان افلاطون، مقوله تلقی عقل به عنوان ابزار شناخت حقیقت مطرح بود. اما در این مرحله زمانی، مقوله ثنویت و تمایز وسیله/هدف نمود بیشتری یافت تا جایی که تمرکز عقل بر شناسایی بهترین وسیله جهت رسیدن به هدف بود و خود اهداف و ارزشها از وصف عقلانیت خارج شدند (Stenmark, 1995:27-35). به عبارت دیگر عقل صرفاً وسیله شناخت نبود بلکه عقل، ابزار شناخت بهترین ابزار جهت رسیدن به هدف بود. در این چهارچوب فکری با تکیه بر اندیشه هیوم، اهداف و ارزشها واجد جنبه عاطفی و غیر عقلانی در نظر گرفته شدند آنچه عقلانی به شمار آمد، گزینش بهترین ابزار و وسیله جهت رسیدن به هدف بود(قائمی نیا، ۱۳۸۳: ۱۰-۱۱). ترکیب خرد ابزاری با فایده گرایی به این نتیجه ختم شد که چنانچه هدف هر کنشگر انسانی، حداکثر سازی منفعت و حداقل سازی هزینه باشد، عقلانیت به منزله محاسبه الگوریتمی بهترین ابزار جهت نیل به این هدف خواهد بود. در این چهارچوب فکری، نظریه انتخاب عقلانی در علوم مختلف انسانی (اقتصاد، فلسفه، جامعه شناسی،

حقوق و اخلاق) از سوی متفکران انگلیسی زبان، خاستگاه عقلانیت ابزاری در معنای امروزی خود (متمایز از عقلانیت ذاتی و جوهری) بود. انسانی کامل که با دسترسی بی نقص به تمامی داده‌های مورد نیاز اقدام به محاسبه دقیق گزینه‌ها و انتخاب بهترین گزینه برای نیل به هدف می‌نماید. بطور کلی از منظر این طرفداران این رویکرد رویکرد انسان موجودی عقلانی است و بر پایه عقلانیت ابزاری و پیامدگرا، کنشهای او معطوف به پیامدهایی است که از پیش مورد قصد یا نیت وی بوده است. به عبارت دیگر عامل انسانی بر اساس دلایل رفتار می‌کند (Davidson, 1970: 207- / Elster, 1991: 109-129 / Searle, 2007: 52-53 / Dennett, 1987: 339-350). دلایل انتخاب عقلانی یک رفتار از سوی عامل، ترکیبی از باورها و امیال (ترجیحات) وی هستند به گونه‌ای که میل وی را با توجه به باورها و امیال دیگرش به بهترین صورت ممکن محقق نماید (Engelen, 2007: 19/ Duchaine & Cosmides, 2001: 225-230). توجه فزاینده به جنبه ابزاری و عملکرد الگوریتمی و محاسباتی عقل در قرن بیستم موجب گسترش توجه به یافته‌های علمی عصب-زیست‌شناختی در خصوص آناتومی مغز و ذهن انسان گردید که رهاورد آن ظهور کارکردگرایی توسط فیلسوفانی چون هیلاری پاتنم و جری فودور بود (بیلی، ۱۳۹۹: ۱۷۴-۱۷۷/۱۹۹-۲۰۱/ اوجنیو کاوانا، ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۰۵) ایده مرکزی این نظریه که خاستگاه آن به آلن تورینگ-ریاضی‌دان مشهور انگلیسی در قرن بیستم باز می‌گردد، بر تلقی عقل و تفکر به مثابه ابزار (ماشینی با کارکرد محاسبه‌گری) است. در این نظریه، ذهن به عنوان یک ابزار محاسبه‌گر یا دستکاری‌کننده نماد عمل می‌کند. ذهن ورودی را از دنیای طبیعی گرفته، محاسبه و پردازش می‌کند و خروجی‌های جدیدی را به شکل‌های انتزاعی یا واقعی درست می‌کند (Putnam, 1960: 148-180). یک محاسبه، یک فرایند گرفتن ورودی و دنبال کردن مرحله به مرحله الگوریتم برای بدست آوردن یک خروجی مشخص است (مسلین، ۱۳۹۵: ۸۲-۸۳).

به دنبال آلن تورینگ، جهان شاهد گسترش کمی و کیفی کامپیوترهای هوشمند و مباحث جدی در زمینه فلسفه ذهن و فلسفه هوش مصنوعی گردید. در میان تعاریف چهارگانه ارائه شده در خصوص هوش مصنوعی (۱- تفکر انسان گونه ۲- تفکر عقلانی ۳- رفتار انسان گونه ۴- رفتار عقلانی)، تمرکز بر روی دو پارامتر مهم عقل و انسان از یک طرف و تفکر و رفتار از طرف دیگر است که در این میان تعریف چهارم (شناسایی هوش مصنوعی به عنوان رفتار عقلانی) بیشتر طرفدار دارد. (Russell & Norvig, 2010: 1-4). تمایز انسانی از عقلانی و ترجیح عقلانی بر انسانی نزد اندیشمندان هوش مصنوعی، موید تلاش متخصصان هوش مصنوعی در معرفی عقلانیت ابزاری (تلقی عقل به عنوان ابزار محاسبه) به عنوان الگوی ایده آل عقلانیت است که با کمترین خطای محاسباتی و دسترسی به حداکثر داده و اطلاعات ممکن، مبادرت به انتخاب عقلانی بهترین (ابزار) جهت حداکثر سازی مطلوب (بهینه سازی مطلوبیت به عنوان هدف)

می نماید (Marwala, 2017: 2-10./ Elster, 2009, p16-17). عقلانیت دیجیتالی را می توان جدیدترین سویه عقلانیت ابزاری به شمار آورد که بر پایه شبیه سازی عملکرد محاسباتی ماشینهای هوشمند از سویه الگوریتمی و ابزاری عقل انسانی شکل گرفته است. (Nagl, 2022: p65-69). منظور از عقلانیت ابزاری و محاسباتی دیجیتال این است که رفتار ماشین های هوشمند در بازآفرینی و ارائه پاسخ های رفتاری بصورت دیجیتال می باشد به گونه ای که بازنمایی مقادیر فیزیکی در قالب محاسبات الگوریتمی کمیتی (عددی) و بصورت صفر و یک (بدون برخورداری از جنبه کیفی مقادیر بازنمایی شده) صورت می گیرد (Beck, 2019, 319-49/ Arvan, & Maley 2022, 244)

۳-: عقلانیت ابزاری در اقتصاد

از قرن ۱۸ تحت تاثیر اندیشه فایده گرایی، نظریه انتخاب عقلانی توسط فیلسوفان و اقتصاددانان انگلیسی زبان مبدل به پارادایم غالب و رایج اقتصاد کلاسیک (نظیر آدام اسمیت) و نئوکلاسیک (نظیر بلاگ) گردیده است. جانمایه فایده گرایی مطابق نظر فیلسوفانی چون بنتام و جان استوارت میل، تلقی انسان به مثابه موجودی است که متمایل به لذت یا فایده و پرهیز از رنج یا ضرر می باشد. بر همین اساس در موقعیتهای محیطی، رفتاری را انتخاب می کند که برای او متضمن بیشترین فایده و کمترین هزینه باشد. (Bentham, 1961: 14). کاپلستون، ۱۳۸۲: ۱۴۱). به عبارت دیگر از دیدگاه این مکتب انتخاب عقلانی انتخابی است که حامل حداکثر سود یا فایده و حداقل ضرر باشد. بدین ترتیب در اقتصاد الگویی موسوم به انسان اقتصادی بر پایه نظریه انتخاب عقلانی توسط اقتصاددانان انگلیسی زبان نظیر آدام اسمیت، هربرت اسپنسر و کلز اینگرام پدید آمد (Engelen, 2005: 60-69) بطور خلاصه از مجموع مولفه های حاکم بر پیش فرض عقلانیت کامل و انتخاب عقلانی می توان به این ویژگی ها اشاره نمود: ۱- عقلانیت کامل نوعی عقلانیت ابزاری (هدف-وسیله محور) میبنتی بر منطق ریاضی است که در آن انسان موجودی غایتمند به مشار می رود و در راستای نیل به نتیجه (هدف مطلوب) از بهترین وسیله ممکن از میان وسایل موجود استفاده می کند (Altman, 2012: 141, Engelen, 2005: 16-22, رنای، ۱۳۹۶: ۸-۱۲)

۲- تصور عقلانیت کامل مبین نوعی خرد ابزاری است. چرا که پیش فرض اساسی آن بر پایه دانش و دسترسی ابزاری انسان به تمام داده های مورد نیاز و پردازش کاملاً دقیق و درست و بدون خطا و اشتباه از موقعیت و گزینه های موجود و انتخاب بهترین ابزار (بهترین گزینه) است در حالی که این پیش فرض معرفت شناختی با انسان واقعی بسیار فاصله دارد. (Foka-Kavalieraki, & Aristides, 2011: 10). به عبارت دیگر عقلانیت کامل ابزاری بر پایه تمثیل انسان کامل استوار است. بر همین اساس اقتصاددان نئوکلاسیکی چون بلاگ فرض عقلانیت کامل را بر اساس رویکرد دسترسی ابزاری حداکثری به اطلاعات تعبیر می کنند (Blaug, 2006: 229). باور به عقلانیت کامل در اقتصاد متعارف تا حدی است که اقتصاددانان علی رغم

اینکه رویکرد پوزیتیویستی مبتنی بر قابلیت اثبات یا ابطال تجربی را در نظریه اقتصادی به کار می گیرند لیکن پیش فرض عقلانیت کامل را به لحاظ تجربی اثبات ناپذیر و هسته سخت و ناگشودنی اقتصاد تلقی می کنند (Machlup, 1978: 144-146/رنانی، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۲)

۳- پیشفرض عقلانیت کامل در انتخاب عقلانی، رویکردی مبتنی بر ثنویت فرد(خود) از دیگری و متمرکز بر روی نفع فردی است. (callins, 1997: 153-154). رویکردی متافیزیکی که در آن مفهوم خود، منشا دلایل (باور و امیال و ترجیحات) فرد برای محاسبه منافع، گزینش و تصمیم گیری است (Schmidt, 1993: 52-68).

۴: عقلانیت در جامعه شناسی: به نظر می رسد هر سه پارادایم حاکم بر نظریه های جامعه شناسی (نظریه های فرد محور و کنش گرا، نظریه های جمع-محور و ساختارگرا و نظریه های تلفیقی) بر پایه های تصور ثنویت کنشگر/ ساختار، فرد/ جامعه و عقلانیت کامل ابزاری در انسان استوار باشد.

۱-۴: عقلانیت ابزاری در جامعه شناسی کنش گرا

نزد جامعه شناسانی که به تقدم فرد بر جامعه و تمرکز بر کنشها و عاملیت کنشگر انسانی در جامعه تاکید دارند، انسان به عنوان عامل یا کنشگری عقلانی تصور شده است. ماکس وبر را می توان پیشگام طرح اندازی نظریه انتخاب عقلانی در جامعه شناسی به شمار آورد. از دیدگاه وبر کنشهای اجتماعی به چهار دسته تقسیم می شوند: ۱- کنش سنتی ۲- کنش عاطفی ۳- کنش معطوف به ارزش ۴- کنش غایتمندانه معقول و هدفمند. کنشهای اول و دو فاقد عقلانیت به شمار می روند. (وبر، ۱۳۸۲: ۱۰۴/کوزر، ۱۳۹۴: ۳۰۰) اما کنش های سوم و چهارم کنشهای عقلانی هستند. کنش معطوف به ارزش مبین عقلانیت ماهوی و ذاتی و کنش غایتمند نمایانگر عقلانیت شکلی و ابزاری هستند. بر اساس دیدگاه وبر در جامعه مدرن وسنتی، کنشها از حالت سنتی و عاطفی به سمت کنشهای معقول و غایتمند و ابزاری در حال گذار هستند و با روند افسون زدایی و علم گرایی، محاسبات عقلانی و ابزاری و هدفمند مورد ملاک و توجه قرار می گیرد (کرایب، ۱۳۸۲: ۱۰۰/گیدنز، ۱۳۹۹: ۲۴) هرچند خود وبر از این مساله خشنود نبود و با بکارگیری تعبیر مشهوری به نام قفس آهنین از پیامدهای نامطلوب عقلانیت ابزاری در جوامع صنعتی مدرن و برچیدگی عواطف و احساسات حکایت نمود (ماکس وبر، ۱۳۸۲: ۱۵۶). قفس آهنین» افراد را در نظامهایی به دام می اندازد که صرفاً بر اساس کارایی غایت شناسی، محاسبه عقلانی و کنترل است. نظریه انتخاب عقلانی بعدها در آثار جامعه شناسان نظریه مبادله و جامعه شناسی رفتاری مورد توجه قرار گرفت. نظریه مبادله اجتماعی که بر پایه اندیشه های فایده گرایانه و اقتصاد کلاسیکی هومنز بنا نهاده شده است، انسان را موجودی عقلانی می انگارد که با هدف به حداکثر رساندن سود و به حداقل رساندن زیان خویش به محاسبه شادی ها، لذت ها و نیز آلام خود می پردازد. بر همین اساس چنانچه کاری برایش پاداش یا سود به دنبال داشته باشد آنرا انجام می دهد و در

کنشهای بعدی خود نیز تکرار خواهد کرد. روابط میان اشخاص در جامعه نیز بر اساس مبادله سود میان آنها تنظیم می شود (ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۱۴ / توسلی، ۱۴۰۰: ۴۱۲).

از دیگر جامعه شناسانی که به نظریه انتخاب عقلانی توجه شایانی داشتند می توان به جیمز کلن و ریمون بودون اشاره نمود. بر اساس نظریات فایده باورانه، فردگرایانه و عقلانیت ابزاری کلن که متأثر از اندیشه های هابز و آدام اسمیت است، اشخاص به صورت هدف مند و در جهت نیل به یک هدف مشخص عمل می کنند و این هدف (و بنابراین کنش ها) به واسطه ی ارزش ها و یا رجحان ها شکل می گیرد « (Coleman-1990: 313-314) در ادامه استدلال می کند که برای بیشتر مقاصد نظری، او به مفهوم سازی دقیق تری در مورد کنشگر عقلانی نشأت گرفته از علم اقتصاد نیاز خواهد داشت، یکی اینکه به نظر او کنشگران کنش هایی را برمی گزینند که بیشترین سودمندی و یا ارضاء نیازها و خواسته های شان (نفع شخصی) را به ارمغان بیاورد (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۴۰-۴۲). جامعه مجموعه ای از افراد است که کنش عقلانی دارند بنابراین انتخاب عقلانی فردی در سطح اجتماعی تبدیل به انتخاب همگانی می شود (کلن ، ۱۳۷۷: ص ۳۲).

ریمون بودون-جامعه شناس فرانسوی- عقلانیت محدود سایمون و عقلانیت ماهوی وارزشی وبر را با یکدیگر ترکیب می کند و از دل آن ، مفهوم عقلانیت شناختی را به عنوان جایگزین عقلانیت ابزاری و اقتصادی معرفی می کند. به عقیده بودون مسئله کنشگر بر خلاف عقلانیت ابزاری و فردگرایانه ، صرفاً بیشینه سازی سازی منفعت فردی نیست به عبارت دیگر عقلانیت دلایل یا غایات انسان به عنوان علت کنش ارتكابی صرفاً حداکثر سازی سود و حداقل ساری منافع نیست بلکه ممکن است ، دلیل یا علت کنش، درست بودن یا خوب بودن خود فعل (عقلانیت جوهری و ذاتی) باشد صرف نظر از اینکه چه پیامدهای اقتصادی از حیث سود و زیان دارد (boudon, 1998: 817-828 , / جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۴۶-۵۰).

۲-۴- عقلانیت ابزاری در جامعه شناسی ساختارگرا

جامعه شناسانی که بر تقدم جامعه بر فرد و حاکمیت ساختار (الگوها، هنجارها و نهادهای اجتماعی) و مناسبات میان اجزاء ساختار با یکدیگر تاکید دارند نیز انسان را دارای عقلانیتی کامل در نظر می گیرند. چرا که ساختارها چیزی جز بازتولید اندیشه عقلانی انسان در سطح کلان نیستند. امیل دورکیم را می توان آغازگر جامعه شناسی ساختاری در نظر گرفت که بر تقدم جامعه بر فرد و عینیت بیرونی واقعیتهای اجتماعی تاکید می ورزید. آثار مختلف دورکیم نظیر تقسیم کار اجتماعی (تمایز میان انواع همبستگی مکانیکی و ارگانیکی)، خودکشی، صوربنیادی حیات دینی، جملگی بیان گر رویکردی علمی، منطقی (عقلانیت ابزاری) نسبت به ساختاری کلان موسوم به جامعه است که در قالب الگوها و ارزش های اجتماعی (نظیر تقسیم کار، وجدان جمعی، باورهای دینی، قوانین حقوقی) دارای اهداف و کارکردهایی نظیر ایجاد

همبستگی، یکپارچگی، هنجارپذیری است (آرون، ۱۳۸۲: ۳۶۲-۳۶۸/کرایب، ۱۳۸۲: ۱۲۶-۱۳۴). همچنین جامعه شناس طراح کارکردگرایی ساختاری - تالکوت پارسونز-رهیافتی یکسره برپایه عقلانیت کامل از انسان کنشگر و جامعه به عنوان ساختار مطرح نمود. وی با تشبیه نظام یا ساختار به مثابه یک ارگانیزم زیست شناختی، بر لزوم مناسبات میان کارکرد اجزاء مختلف نظام در تداوم حیات جامعه تاکید ورزید. رویکرد وی به مانند جامعه شناسان فرد گرا مبتنی بر عقلانیت ابزاری و هدفمند است با این تفاوت که وی عقلانیت ابزاری را به حوزه کارکرد ساختاری گسترش می دهد بدین ترتیب که وی در کتاب ساختار کنش اجتماعی فرایند کنشگری انسان را برای رسیدن به حداکثر منافع و هدف را بر پایه سه ساختار (نظام شخصیتی، نظام فرهنگی متشکل از ارزشها و هنجارها و قواعد و نظام زیست شناختی که همان محیط مادی فراهم کننده زمینه کنش گری است) ترسیم می کند که دارای چهار پیش-شرط کارکردی و ساختاری است: ۱- انطباق پذیری ۲- دستیابی به هدف ۳- یکپارچگی ۴- حفظ تعادل (کرایب، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۹). توجه به مقوله ساختار، کارکرد و مناسبات میان اجزاء ساختاری (به مانند اجزاء یک ارگانیزم) برای رسیدن به هدف، در سایر جامعه شناسان ساختارگرا نظیر رادکلیف براون، لوئیس کوزر، رابرت کی مرتن و پیتربلاو نیز قابل مشاهده است (کوزر، ۱۳۸۳: ۵۱۲-۵۱۰ و ۵۱۸-۵۲۰/ریتزر، ۱۳۷۴: ۳۸۱-۳۸۵) بطور خلاصه می توان گفت در جامعه شناسی ساختار گرا، ساختارها (ارزش ها، جایگاه ها، هنجارها، نهادها) و مناسبات و روابط میان آنها و کارکردهای ترسیم شده جملگی بیانگر عقلانیتی ابزاری در سطح کلان محسوب می شوند چراکه همگی موید نظامی منطقی و پرورده شده توسط انسانی عاقل در طی گذر زمان محسوب می شوند.

۳-۴- عقلانیت ابزاری در جامعه شناسی تلفیقی

در نهایت می توان از نظریه های تلفیقی جامعه شناسانی نظیر پیر بوردیو فرانسوی، آنتونی گیدنز انگلیسی و یورگن هابرماس آلمانی نام برد که در پایه رویکرد دیالکتیکی و تعاملی میان کنشگر (عامل) و ساختار، سنتزی تلفیقی استخراج نموده اند که مبتنی بر تعامل هر دو عامل کنشگر و ساختار در رفتارهای انسانی در جامعه است. نظریه ساختار بندی (ساخت یابی) گیدنز حاوی این مطلب است که توجه صرف به هر دو مقوله کنش یا ساختار به تنهایی برای تحلیل رفتار اجتماعی و مناسبات حاکم بر آن کافی نیست بلکه می بایست به دیالکتیک و تعامل همزمان میان این دو توجه نمود. گیدنز با تاکید بر مفهوم عاملیت (بجای کنش)، کردار اجتماعی مستمر انسانها در موقعیت های مختلف را سازنده (ساخت یاب) الگوهای ثابت (نظامها) و قواعد و مناسبات حاکم بر آن (ساختارها) می داند. (کرایب، ۱۳۷۸: ۱۴۴-۱۴۹/گیدنز-۱۳۸۴: ۷۲-۷۳/صدیقی، ۱۳۸۹: ۱۵۴-۱۵۰).

از نظرگاه وی به جای تمرکز صرف بر کنش های فردی و یا الزامات ساختاری (نظیر ساختارگرایی کلود لوی استراوس و مارکسیسم ساختاری لویی آلتوسر)، می بایست به رابطه دیالکتیکی میان ساختار و

عوامل عینی اجتماعی (قواعد، هنجارها، طبقات و نهادها) با رفتارهای عملی و ذهنی کنشگران انسانی توجه نمود تا بتوان بر ثنویت عامل/ساختار و ذهنیت گرای (عامل) و عینیت گرای (ساختار) غلبه نمود. فرای، ۲۰۰۹: ۳۳۲-۳۳۹ / ریتزر، ۱۳۹۳: ۷۱۰ / گلابی، فاطمه و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۸-۱۲۱) بورديو در برابر نظريه انتخاب عقلانی که مبتنی بر عقلانیت ابزاری و محاسبه گرانه، هدفمند و آگاهانه است نظریه کنش عقلانی را مطرح می کند که بر جنبه استراتژیک کنشگری انسانی که ترکیبی از آگاهی و ناآگاهی، عمد و غیر عمد و آزادی و قید و بند است تاکید می ورزد و بر پایه آن انسان در تجربه و منطق عملی خود بدان دست می یابد (گلابی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

همچنین می توان از یورگن هابرماس نیز در قامت یک جامعه شناس تلفیقی مدافع عقلانیت در اروپای قاره ای یاد کرد. وی با انتقاد از عقلانیت ابزاری حاکم بر اقتصاد و جامعه شناسی که بر پایه محاسبات الگوریتمی منافع فردی استوار بود، نظریه عقلانیت ارتباطی را مطرح نمود که در بردارنده گذار از نگاه ابزاری و سلطه طلبانه به تعامل، مفاهمه و ایجاد وفاق اجتماعی بر پایه کنش های ارتباطی و دیالکتیکی انسانها با یکدیگر بود (حاجی جیدری، ۱۳۸۳: ۳۳۷-۳۴۰).

۵- نقد ساختار حاکم بر عقلانیت از منظر اندیشه های نوین در علوم مختلف

مسئله عقلانیت و مدل ساختاری آن در اواخر قرن بیستم از چشم اندازهای مختلف در علوم مختلف انسانی نظیر فلسفه، جامعه شناسی، اقتصاد، عصب شناسی و محیط زیست مورد چالش و انتقاد قرار گرفته است. سویه اول این انتقادات را می توان در نفی عقلانیت ابزاری و انسان-محور و گرایش به رویکردی غیر عقلانی (عاطفی، هنری) با محیط زیست پیرامون خلاصه نمود. رویکردی که از زوایای مختلف خرد ستیز و ضد سوژه محسوب می شود. سویه دوم انتقادات ضمن انتقاد از جنبه های ابزاری، فردگرا، غیر تعاملی عقلانیت، در بردارنده طرح نوین از عقلانیت با چشم اندازهای متنوع است. رویکردی که بازخوانی و بازتولید عقلانیت همراه با رفع معایب پیشین آن را به ارمغان دارد. در همین راستا در این بخش به بررسی انتقادات وارد بر بینش عقلانیت از چشم انداز علوم مختلف می پردازیم:

۱-۵: نقد عقلانیت از منظر اندیشه انتقادی و پست مدرنیسم

از اواخر قرن بیستم تحت تاثیر انتقاداتی که از سوی فیلسوفانی نظیر نیچه، هایدگر و هوسرل به خردباوری مدرن و بحران آفرینی عقلانیت ابزاری (علمی-تکنولوژیک) در حیات انسان در زیست جهان و سلطه بر طبیعت پیرامون به عنوان منبع ذخیره انرژی مطرح ساختند (احمدی، ۱۳۹۲: ۵۶-۱۰۴، ۶۰-۱۰۶)، از یک طرف فیلسوفانی با تبار آلمانی موسوم به فیلسوفان مکتب فرانکفورت (نظیر آدورنو، هورکهایمر و مارکوزه)، با طرح اندیشه های انتقادی متمایل به مارکسیسم، حملات کوبنده ای را به پوزیتیویسم، نظام سرمایه داری

و عقلانیت ابزاری حاکم بر آن در بهره کشی از طبیعت و شی شذگی انسان وارد ساختند(احمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۶/کریب، ۱۳۸۱: ۲۶۹-۲۷۵).

از سوی دیگر در اواخر قرن بیستم جنبشی فرانسوی موسوم به پست-مدرنیسم در نقد مدرنیته غربی شکل گرفت که مرکز ثقل آنرا می توان عقلانیت سوژه-محور و ابزاری انسان تلقی نمود. خاستگاه فکری پست مدرنیسم را باید در آثار واندیشه های فردریش نیچه جستجو نمود. نیچه در آثار متعدد خود (از جمله زایش تراژدی) حملات کوبنده ای را به عقلانیت سقراطی-افلاطونی و ستایش دوران پیشاسقراطی نمود. از نظرگاه نیچه سلطه رویکرد عقلانی-منطقی سقراطی موجب سرکوب شور زندگی و شادی و ارزشها و عواطف غریزی گردید و انسان را در حصار نظم اخلاقی-عقلانی محبوس نمود (Taylor, 2013 / خاکپور، ۱۳۹۹: ۵). در اواخر قرن بیستم فیلسوفان فرانسوی نظیر، لیوتار، بودریار، دریدا، ژیل دلوز و فوکو تحت تاثیر اندیشه های نیچه و هایدگر و با عبارت پردازی های مختلف و متنوع به ثنویت های خاستگاه پدیداری عقلانیت و همچنین بحران آفرینی عقلانیت ابزاری و انسان-محور مدرنیته غربی پرداختند. لیوتار در نقد سوژه-محوری و انسان گرایی عقلانیت می نویسد: «خرد(عقل)، راوی عظیم یا راوی اصلی بوده است. اکنون تک گویی این راوی بزرگ به پایان رسیده است. پسامدرنیسم یعنی رهایی از شر این راوی و روایت تک گوینه». اکنون می توانیم راحت تر دریابیم که نه فقط خردباوری سده های گذشته، بلکه خرد تنها یکی از راویان بوده است تازه چندان روایتگر خوبی هم نبوده است (احمدی، ۱۳۹۲: ۲۷۱). میشل فوکو در کتاب تاریخ جنون با رویکرد تلقی شناخت(دانش) به مثابه ابزار قدرت در نقد عقلانیت ابزاری، سوژه-محور وارد شد. از نظرگاه وی خرد علمی روانپزشکی اقتدار خرد علمی بر جنون است. ابزار سلطه است که روانپزشک بر فرد مجنون تحمیل می کند. همین رویکرد فوکو(دانش خردباورانه به عنوان ابزار اقتدار وسلطه) در سایر آثار او(نظیرمراقبت و تنبیه که سلطه عقلانیت حقوقی بر افراد از طریق زندان است یا در زایش درمانگاه که حاوی اقتدار عقلانیت علمی پزشکی از طریق سلطه پزشک بر بیمار است) نیز تکرار می شود(احمدی، ۱۳۹۲، ۲۱۶-۲۳۰). در آثار متعدد ژیل دلوز (نظیر تفاوت و تکرار، منطق احساس، هزار فلات، ضد ادیپ) دو مقوله در زمینه نقد عقلانیت مدرن و استعلایی کاملاً برجسته می نماید: یک رویکرد معرفت شناختی ریزرومی به جای معرفت درختی. دوم تحلیل شیزوفرنیک به جای تحلیل پارانوئیک از رفتار و منش انسان. ژیل دلوز با طرح رویکرد افقی و عرضی به شناخت(معرفت)، موسوم به «رویکرد ریزوماتیک»، سعی دارد نگاهی نو به شناخت و دانش را مطرح کند؛ دیدگاهی که در برابر رویکرد درختی به معرفت قرار گرفته و همه نظامهای معرفتی گوناگون مبتنی بر رویکرد درختی به معرفت را به چالش فرا می خواند. رویکرد ریزوماتیک بر نفی همه فرا روایت ها و اعتبار بخشیدن هر چه بیشتر به فهم های متکثر خرد، فردی و موقعیتی، تأکید دارد و بر ضرورت مداوم و بدون هدف و جهت گیری مشخص، منطق گریزی و عقل ستیزی مبتنی است (سجادی و دیگران، ۱۳۹۷:

۲۰۴/1987, Gilles & Felix Guattari, 1994 : 139/Deleuse, Gilles & Felix Guattari, 1994) - .. اما بی رحمانه ترین حملات به مبانی عقلانیت را ژاک دریدا طراحی نمود. اساس نقد وی به عقلانیت، بن مایه های ثنویت گرایانه آن بود. از نظرگاه وی ساختار متافیزیک غربی بر پایه عقل، کلام معقول و به عبارت دیگر لوگوس محوری بنا نهاده شده است که در آن هر مفهومی با قطب مخالف آن فهمیده می شود و در هر ثنویت و دوگانه ای، یکی از آنها نسبت به دیگری واجد ارزشی برتر و متعالی تر می باشد نظیر معقول بر محسوس، مرد بر زن، حضور بر غیاب، درست بر نادرست و نهایتاً گفتار بر نوشتار. (Lamont, 1987: 584-622/فتوحی، ۱۳۹۹: ص ۱۳۸-۱۴۰) وی با طرح اندازی ایده شالوده شکنی، راه برون رفت از این ساختار دوگانه گرا را در بن فکنی این ثنویتهای، نفی حاضر تلقی کردن معنا (متافیزیک حضور)، نفی من (ذهن) (سوبجکتیو مسلط بر شناخت و رهایی از تعینهای حقیقت می داند و بجای آن بر تعویق (غیاب) بی وقفه معنا، غیریت و پذیرش کثرت ارزش می نهد.

۲-۵- نقد عقلانیت از منظر عصب شناسی معاصر

در قرن بیستم تحت تاثیر جنبش پدیدارشناسی اروپای قاره ای و عمل گرایی در جهان انگلیسی زبان، خوانشی از عملکرد شناختی و ادراکی انسان صورت گرفت که بجای تمرکز بر مولفه های متافیزیکی، فردی، سوژه محور انسان (که در واقع مولفه های عقلانیت محسوب می شوند)، بر جنبه های بدن مندانه انسان و برهمکنش بدن و مغز او با محیط فیزیکی بیرون جهت دستیابی به ادراک و شناخت تاکید می ورزید. ترکیب پدیدارشناسی ادراکی با عملگرایی ارگانیسمی، تاثیر قابل توجهی در عصب شناسی معاصر گذاشت. به نحوی که برخی عصب پژوهان نظیر اندی کلارک، دیوید چالمرز و آنتونیو داماسیو، بر حیث التفاتی بدن مندانه و عاطفی انسان در مواجهه برهمکنش گونه با محیط فیزیکی بیرونی تاکید ورزیدند و از تعامل و عدم مرزبندی ذهن، بدن و محیط جهت شناخت و ادراک و تصمیم گیری سخن می گویند Clark & Chalmers, 2002: 7-19) / اوجنیو کاوانا، ۱۳۹۹: ۱۳۹-۱۴۰ / بیلی، ۱۳۹۹: ۳۲۰-۳۲۲). گسترش چشمگیر توجه به جنبه های عاطفی، بدن مندانه و محیطی شناخت منجر به شکل گیری نظریه انتخاب عاطفی از سوی برخی عصب پژوهان نظیر مارک ویکا گردید. از نظر مارک ویکا تصمیم گیری می تواند به شدت تحت تاثیر احساسات باشد. او با تکیه بر این بینش ها، «نظریه انتخاب عاطفی» را توسعه می دهد که تصمیم گیرندگان را به عنوان «موجودات عاطفی، اجتماعی، و فیزیولوژیکی» مفهوم سازی می کند که احساسات آنها را به دیگران مرتبط می کند و از آنها جدا می کند. (Markwica, 2018: 3, 36, 16-17). تاثیر بدمنندی در مقوله شناخت و ادراک به عصب شناسی محدود نشد بلکه به تمام علوم شناختی نیز سرایت نمود تا جایی که برخی پژوهشگران نواندیش زبانشناسی شناختی نظیر جورج لیکاف و مارک جانسون در آثار مشترک و جداگانه خود (نظیر فلسفه جسمانی، ذهن جسمانی، بدن در ذهن، استعاره هایی که با آنها زندگی می

کنیم)، عقلانیت و اندیشیدن (تخیل، استدلال، فهم) و زبان مندی انسان را امری بدنمندان و برخاسته از تاثیر و برهم کنش محیط فیزیکی بیرونی با بدن انسان (عواطف و قوای حسی او) تلقی می کنند. (جانسون ۱۳۹۹: ۲۰-۱۷/ جانسون، ۱۳۹۹: ۲۹-۳۵/ لیکاف & جانسون، ۱۴۰۰: ۲۲۹-۲۳۱)

۳-۵: نقد عقلانیت از منظر اقتصاد رفتاری

بنا بر برخی یافته های آزمایشگاهی صورت گرفته از سوی روانشناسان و اقتصاددانان حوزه اقتصاد رفتاری نظیر دانیل کانمن، بر خلاف رویکرد عقلانیت ابزاری که مبتنی بر انتخاب عقلانی انسان در گزینش تصمیم بر اساس دلایل و غایات (باورها، امیال و ترجیحات) است، انسانها از منطری واقع گرایانه در بسیاری اوقات به نحو عقلانی و بر پایه انتخاب بهترین دلایل جهت حداکثرسازی سود و حداقل سازی ضرر عمل نمی کنند (Kahneman, 1994 18-36 / Skouras & Avlonitis & Indounas, 2005: 362-374). منشا این رفتار غیرعقلانی برخاسته از محدودیت های عصبی-شناختی مغز است که موجب بروز توهمات شناختی (خطا و سوگیری اشتباه به دلیل فقدان اطلاعات یا ناقص بودن اطلاعات یا اشتباه در روش قالب بندی و پردازش اطلاعات) و اتخاذ چشم اندازی زیان گریزانه (به جای سودمحورانه) می شود (Kahneman & Tversky, 1979: 263-291 / Altman, 2012: 15). بر همین اساس نظریه پردازان اقتصاد رفتاری نظیر سایمون، آلمن و ویلکینستون، در مقام رویگردانی از مدل انتخاب عقلانی و عقلانیت کامل در رفتارهای اقتصادی، از رویکرد عقلانیت محدود پشتیبانی می کنند. رویکردی که بر اساس تحلیلی واقع گرایانه و روان شناختی از ظرفیت محدود عقلانیت انسان در گزینش تصمیم استوار است (Simon, 1990: 189-204 / Altman, 2012: 70- / Simon, 1987: 15-18 / Wilkinson & Klaes, 2012: 7-12 / رنانی، ۱۳۹۶: ۱۷-۲۹)

۴-۵: نقد عقلانیت از منظر محیط زیست و بوم شناسی

به دنبال بروز پیامدهای ناگوار محیطی زیستی در اثر فعالیت های اقتصادی و تکنولوژیکی انسان در قرن بیستم، مواجهه اندیشمندان محیط زیست گرا با عقلانیت انسان-محور را می توان در دو طیف عمده طبقه بندی نمود. از یک سو اندیشمندانی چون تام ریگان، آرنه نائس، (طراح نظریه بوم شناسی عمیق) و پل تیلور، ثنویت های سوژه/ابژه و ابزاری/ذاتی انسان-محور را مورد نفی قرار داده و بجای عقلانیت ابزاری، ارزش ابزاری طبیعت، بر ارزش ذاتی و طبیعت محور محیط زیست و برخورداری ذاتی سایر موجودات از حق حیات تاکید می کنند تا جایی که در گستره ای از نظریه های خرد ستیز و طبیعت-محور، مبنای حق حیات و برخورداری از محیط زیست را نه عقل متمایز کننده انسان از طبیعت، بلکه حسب مورد توانایی درک لذت ورنج (نظریه حقوق حیوانات پتر سینگر)، برخورداری از نیرو و غایت حفظ حیات و درنظر گرفتن تمام

موجودات زنده (اعم از گیاهان و جانوران) به عنوان مرکز غایت شناختی حیات (نظریه احترام به حیات پل تیلور) و نهایتاً ضرورت حفظ کره زمین به عنوان جامعه زیستی و بزرگترین موجود زنده (نظریه گایا لاو لاک) در نظر گرفتند که انسان اندیشه ورز را از فاتح زمین به شهروندی ساده در کنار دیگر اعضای جامعه زیستی تبدیل می کند (بسنون، ۱۳۸۲، ۱۰۶-۲۹۸۱۰۷/ پویمان، ۱۳۸۳: ۴۰۶، ۳۶۶، ۲۴۳، ۲۶۷، ۴۲۵/ Nash, 1990: 1123/ Sahotra, 2011: 539/ Singer, 1989: 148-160/ Næss, 1989: 164-165/ Shrader-Frechette, 1987: 389-392). از سوی دیگر برخی اقتصاددانان نظیر ورنون اسمیت و روان شناسانی مانند گرد گیگز نزر و اگون برانسویک با الهام از اندیشه های اقتصاد رفتاری هربرت سایمون، دانیل کانمن، موریس آلیس و دستاوردهای نوین علوم شناختی (که مکانیزم شناخت را در برهمکنش مغز، بدن و محیط می دانند)، نظریه عقلانیت بوم شناختی را در مقام جایگزینی برای نظریه عقلانیت ابزاری، انتخاب عقلانی و تناقض های آن مطرح نمودند. بطور خلاصه بر اساس نظریه عقلانیت بوم شناختی، عقلانیت یک تصمیم و رفتار و بطور کلی هرگونه کنش شناختی، صرفاً به کیفیات ذهنی کنشگر آن بستگی ندارد بلکه همچنین به ساختار محیط زیستی که کنشگر در آن موقعیت مبادرت به تصمیم گیری می کند نیز بستگی دارد. (Simon 1955: 99-118/ Gigerenzer, & Todd, 2012: 487-497/ Brunswik, 2001: 300-312). / Ralph, 2022: 468/ Smith, 1991: 877-897/ Dekker & Remic, 2019: 292). عقلانیت بوم شناختی را می توان سویه نوینی از عقلانیت (با ترکیب دستاوردهای علوم شناختی و اقتصاد رفتاری) برشمرد که ضمن رویگردانی از تمایزها و ثنویت های عقلانیت سنتی ابزاری، فردگرا، سوژه محور، بر تعامل و یکپارچگی جسمانی انسان با طبیعت پیرامون خود تاکید می ورزد

۶: نتیجه گیری

مفهوم عقلانیت از دل اساطیر بر پایه باور به وجود امر روحانی و نادیدنی که نیروی نظم بخش و شناسنده دانستنی های درست است، پدید آمد و در گذار از اسطوره به فلسفه، عقل به مثابه ابزار شناخت حقیقت، پدیدار شد. عقلانیت ابزاری، برآمده از مهمترین و دیرپاترین ثنویت های متافیزیکی است. ثنویت هایی که در یک سوی آن انسان به عنوان سوژه شناسنده، عاقل، هدفمند، از ابژه محسوس، جسمانی، موضوع هدف متمایز می شود. عقلانیت ابزاری با پدیدار ثنویت خردگرایی/ تجربه گرایی وارد مرحله نوینی می شود به گونه ای نوعی گذار از ابزار بودن خرد (به عنوان وسیله شناخت حقیقت) به خرد ابزاری (شناسایی بهترین ابزار جهت رسیدن به هدف) رخ داد. بدین مفهوم که در این مرحله زمانی، با برجسته شدن مقوله ثنویت و تمایز وسیله/هدف، تمرکز عقل بر شناسایی بهترین وسیله جهت رسیدن به هدف بود و خود اهداف و ارزشها از وصف عقلانیت خارج شدند. با این وجود رهیافت های نوین در دانش های مختلف نظیر عصب شناسی، زبان

شناسی، فلسفه، جامعه شناسی، اقتصاد، محیط زیست و کامپیوتر حاکی از برقراری دو جریان فکری منتقد نسبت به ویژگی‌های عقلانیت ابزاری (سوژه-محوری، سلطه ابزاری و انسان گرایی) است. از یک سو جریان پست مدرنیسم، بوم شناسی عمیق و تا حدودی طرفداران نظریه انتخاب عاطفی از رویکردی شالوده شکن و خردستیز برخوردارند و راه گریز از پیامدهای ناگوار عقلانیت ابزاری را در اتخاذ رویکردی یگانه گرا، عاطفی، هنری، غیرانسان-محور نسبت به نحوه نگرش انسان نسبت به خود و طبیعت پیرامون می دانند. از سوی دیگر برخی دیگر از ایده ها و رهیافت های نوین در علوم مختلف نظیر عقلانیت ارتباطی، کنش عقلانی، عقلانیت بوم شناختی، عقلانیت شناختی، عقلانیت محدود و هوش مصنوعی دربردارنده رویکردی انتقادی نسبت به سویه ابزاری، کامل، فردگرا و انسان-محور عقلانیت هستند اما خود طرح نوین و اصلاح شده ای از عقلانیت را معرفی می کنند که عمدتاً حاکی از رابطه برهمکنش انسان با محیط زیست فیزیکی اوست به گونه ای که در این برهمکنش میان عاطفه و عقل تمایزی به چشم نمی خورد و فعالیت عقلانی (ادراک و تفکر و استدلال) به منزله فعل و انفعالات سیستم نوروشیمیایی مغزی انسان در مواجهه با محرک های معنادار پیرامونی محسوب می شود. علاوه بر این برهمکنش انسان با محرک ها و مقولات معنادار محیطی، دیگر منحصر به انسان نیست بلکه تمام ارگانیسم های زنده (به خصوص ارگانیسم های آگاه) و همچنین ماشینهای دارای هوش مصنوعی قوی نیز می توانند با محیط پیرامون خود از طریق قوای حسی و سیستم عصبی و مغزی خود تعامل و برهمکنش معنادار داشته باشند. برآیند مشترک اندیشه های نوین را می توان در رویگردانی از دوگانه گرایی برتری جویانه، سوژه-محور، اومانیستی و ابزاری انسان به خود و طبیعت پیرامونی و گرایش به برگزینی رویکردی یگانه گرا، برهمکنشی، عاطفی همراه با ارزش ذاتی و غیر ابزاری طبیعت خلاصه نمود.

منابع

- ۱- آرون، ریمون (۱۳۸۲)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- ۲- ابن سینا؛ (۱۴۰۴ق) الشفاء- کتاب البرهان؛ تصحیح ابراهیم مدکور؛ قم: مکتبه آیه الله نجفی مرعشی،
- ۳- احمدی، بابک (۱۳۹۲)، مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران، نشر مرکز
- ۴- ارسطو (۱۳۶۶)، درباره نفس، علیمراد داودی، تهران، حکمت،
- ۵- ارسطو (۱۳۹۲)، متافیزیک، شرف الدین خراسانی، تهران، حکمت،
- ۶- اسپینکزی، لی (۱۳۸۸)، فردیش نیجه، ترجمه رضا ولی یاری، تهران، نشر مرکز،
- ۷- استرول، اورام، (۱۳۹۲) فلسفه تحلیلی در قرن بیستم، فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز،
- ۸- افلاطون، (۱۳۷۴)، جمهور، فواد روحانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،

- ۹- اوچنیو کاوانا، آندره (۱۳۹۹)، نظریه های آگاهی، سعید صباغی پور، تهران، نشر ارجمند،
- ۱۰- بریه، امیل، (۱۳۸۵)، تاریخ فلسفه قرن هفدهم، اسماعیل سعادت، تهران، نشر هرمس
- ۱۱- بنسون، جان (۱۳۸۲)، اخلاق محیط زیست، عبدالحسین وهابزاده، تهران، نشر جهاد دانشگاهی
- ۱۲- بیللی، اندرو (۱۳۹۹)، فلسفه ذهن، یاسر پوراسماعیل، تهران، نشر لگا،
- ۱۳- پویمان، لویی، (۱۳۸۳)، اخلاق زیست محیطی، محسن ثلاثی، تهران، نشر توسعه
- ۱۴- توسلی، غلامعباس (۱۴۰۰)، نظریه های جامعه شناسی، تهران، انتشارات سمت،
- ۱۵- جانسون، مارک (۱۳۹۹)، ذهن جسمانی، معنا و خرد: چگونه بدنهای ما به فهم منجر می شود، جهانشاه میرزا بیگی، تهران، نشر آگاه،
- ۱۶- جانسون، مارک (۱۳۹۹)، بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال، جهانشاه میرزا بیگی، تهران، نشر آگاه
- ۱۷- جواد یگانه، محمدرضا، (۱۳۸۷)، رویکردهای جامعه شناسانه نظریه انتخاب عقلانی، مجله راهبرد فرهنگ، شماره ۳، صص ۳۳-۶۴
- ۱۸- خاکپور، محمد (۱۳۹۹)، «نیچه و صائب: دو متفکر خردستیز» تاملات فلسفی، ش ۲۴
- ۱۹- داودی، علیمراد (۱۳۴۹)، عقل در حکمت مشاء، تهران، مردمبارز
- ۲۰- رنانی و دیگران (۱۳۹۱)، «نقد عقلانیت کلاسیک؛ رویکرد عقلانیت محدود (مرزبندی شده) سایمون»، فصلنامه اقتصاد تطبیقی- شماره ۲- صص ۷۷-۹۹
- ۲۱- رنانی- محسن و دیگران (۱۳۹۶)- «نقد انتخاب عقلانی از منظر رویکردهای رقیب»: فصلنامه پژوهشهای اقتصادی- شماره ۷۳
- ۲۲- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه های جامعه شناختی، محمدصادق مهدوی و همکاران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،
- ۲۳- ریتزر، جورج (۱۳۸۲)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر- مترجم: محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی
- ۲۴- سجادی و دیگران، (۱۳۹۷)، «تبیین معرفت شناسی ژیل دلوز و علامه طباطبایی و نقد چالشهای رویکرد ریزوماتیک»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۲
- ۲۵- سجادی، سیدمهدی، پناهان، مریم (۱۳۹۲)، «تاملی بر سیر تحول در مفهوم و جایگاه عقل در دوره یونان باستان و قرون وسطی و دلالتهای آن بر تعلیم و تربیت»، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران، شماره ۲، صص ۲۵-۴۴
- ۲۶- صدیقی، بهرنگ (۱۳۸۹)، «تئوری ساخت یابی آنتونی گیدنز»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره ۹، صص ۱۴۱-۱۶۷

- ۲۷-عباسپور، ابراهیم(۱۳۹۰) «، بررسی روش شناسی نظریه کنش ارتباطی هابرماس با رویکردی انتقادی» معرفت فرهنگی اجتماعی، ۶۴ - شماره ۲، صص ۶۴-۳۵
- ۲۸-غزالی، امام محمد، احیاء علوم الدین، ج ۱، قم، دار الکتاب العربی
- ۲۹-فارابی، ابونصر(۱۳۶۱) آراء اهل مدینه فاضله. ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: طهوری
- ۳۰-قنبری، حسن(۱۳۹۶)، ساحت معرفت شناختی عقل نزد ارسطو، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی، شماره ۵۳،
- ۳۱-قائمی نیا، علیرضا(۱۳۸۳) چپستی عقلانیت، مجله ذهن، شماره ۱۷
- ۳۲-کاپلستون، فردریک(۱۳۷۰)، تاریخ فلسفه، جلال الدین مجتبی، جلد اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،
- ۳۳-کاپلستون، فردریک(۱۳۸۰)، تاریخ فلسفه، امیر جلال الدین اعلم، جلد پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،
- ۳۴-کاپلستون، فردریک(۱۳۹۰)، تاریخ فلسفه، داریوش آشوری، جلد هفتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،
- ۳۵-کرایب، یان(۱۳۸۲)، نظریه اجتماعی کلاسیک، شهناز مسماپرست، تهران، نشر آگاه،
- ۳۶-کرایب، یان(۱۳۸۱)، نظریه اجتماعی مدرن، عباس مخبر، تهران، نشر آگاه،
- ۳۷-کلمن، جیمز(۱۳۷۷): بنیادهای نظریه اجتماعی، مترجم منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- ۳۸-کوزر، لوئیس(۱۳۸۳)، نظریه های بنیادی جامعه شناختی، فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی
- ۳۹-کیت مسلین(۱۳۹۵) - فلسفه ذهن - مهدی ذاکری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۴۰-گلایبی، فاطمه و دیگران(۱۳۹۴)، « مروری تحلیلی بر تلفیق عاملیت و ساختار در اندیشه پیر بوردیو» پژوهشهای جامعه شناسی معاصر، شماره ۶، صص ۱۱۷-۱۴۳
- ۴۱-لسنف مایکل (۱۳۸۵)- ۱۵ فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، نشر ماهی:
- ۴۲-لیکاف، جورج، جانسون، مارک، (۱۴۰۰) استعاره هایی که با آنها زندگی می کنیم، جهان شاه میرزا بیگی، تهران، نشر آگاه
- ۴۳-وهر، ماکس(۱۳۸۲)، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، عبدالکریم رشیدیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۴۴-مشهدی، علی & کشاوری، اسماعیل(۱۳۹۱)، « تاملی بر مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم»، فصلنامه حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق، شماره ۲، صص ۴۷-۷۰
- ۴۵-معمدی، منصور & عبدی، ولی(۱۳۹۲)، « نگرشی تحلیلی و انتقادی به مفهوم لوگوس از یونان باستان تا آباء کلیسا»، مطالعات اسلامی فلسفه و کلام، صص ۱۰۵-۱۲۸

۴۶- مقدس، علی اصغر & اسلام، علی رضا، (۱۳۸۵) « کاوشی در نظریه انتخاب عقلانی با تاکید بر آراء مایکل هکتر، » مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی، صص ۱۷۵-۲۱۱

۴۷- نواک، جورج، (۱۳۸۴) فلسفه تجربه گرا، پرویز بابایی، تهران، نشر آزاد مهر

۴۸- والی عباس، محمدی محمد کریم، (۱۳۹۰)، « سیاست به مثابه عقلانیت ارتباطی »، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۱۴

Abbaspour, Ebrahim (2017), 'Methodological investigation of Habermas' theory of subjective action with a critical approach', Cultural and Social Knowledge, 64 - No. 2, pp. 35-64 [In Persian]

Ahmadi, Babak (2012), Modernity and Critical Thought, Tehran, Markaz [In Persian]

Aristotle (1987), about self, Ali Murad Davoudi, Tehran, Hikmat [In Persian]

Aristotle (2013), Metaphysics, Sharafuddin Khorasani, Tehran, Hekmat [In Persian]

Aron, Rymond (2012), Basic stages of the course of thought in sociology, translated by Baqir Parham, Scientific and Cultural Publications, Tehran [In Persian]

Arvan, M., & Maley, C. J. (2022). Panpsychism and AI consciousness. Synthese, 200(3

Beck, Jacob (2019). Perception is Analog: The Argument from Weber's Law. The Journal of Philosophy 116(6): 319-49

Bailey, Andrew (2019), Philosophy of Mind, Yasser Pourasmail, Tehran, Lega Publishing [In Persian]

Benson, John (2003), Environmental Ethics, Abdul Hossein Vahabzadeh, Tehran, Jihad University Press [In Persian]

Blaug, Mark (2006) ts Explain, second edition, Cambridge University Press. Digital Printing

boudon, R., (1998) Limitations of Rational Choice Theory, American Journal of Sociology, vol 104, no 3

Brunswik, E. (2001). Scope and aspects of the cognitive problem. In K. R. Hammond & T. R. Stewart (Eds.), The essential Brunswik: Beginnings, explications, applications (pp. 300-312). New York, NY: Oxford University Press/

Coleman, James S. The Foundations of Social Theory. Cambridge, MA, 1990: Belknap of Harvard UP. pp. 300-318

- Coleman, James, (1998) Foundations of Social Theory, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Nei Publishing[In Persian]
- Copleston, Frederick (1991), History of Philosophy, Jalaluddin Mojtabei, first volume, Tehran, Scientific and Cultural Publication[In Persian]
- Copleston, Frederick (2010), History of Philosophy, Amir Jalaluddin Aalam, Volume 5, Tehran, Scientific and Cultural Publications[In Persian]
- Copleston, Frederick (2013), History of Philosophy, Dariush Ashuri, Volume 7, Tehran, Scientific and Cultural Publications[In Persian]
- Craib, Ian (2003), Classical Social Theory, Shahnaz Mesmaparst, Tehran, Aghah Publication[In Persian]
- Damasio,1994,Descartes error:Emotion,Reason and Human brain,Putnam,newyork
- Davodi, Alimurad (1970), Reason in Peripatetic school, Tehran, Mardambarz publication[In Persian]
- Deleuse, Gilles & Felix Guattari (1987). A Thousand Plateaus: Capitalism and Schizophrenia (Brian Massumi). Minneapolis: University of Minnesota Press
- Deleuse, Gilles (1994). Difference and Repetition. New York: Columbia University Press
- Dennett,1987,Mid-term examination, The Journal of Philosophy,Vol. 87, No. 4, pp. p339-350
- Duchaine, B., Cosmides L. and J. Tooby (2001), "Evolutionary Psychology and the Brain", Cognitive Neuroscience, Vol. 11
- Elster, J. (1991), Rationality and Social Norms, European Journal of Sociology, Vol. 32, No. 1
- Émile Bréhier, (2006), History of 17th century philosophy, Ismail Saadat, Tehran, Hermes Publishing[In Persian]
- Engelen, B. (2005), The Politics-Economics-Ethics Continuum Revisited, Romanian Journal of Bioethics, Vol. 3, No.
- Engelen,(2007), Rationality and Institutions: an Inquiry into the Normative implications of Rational Choice Theory (Doctoral Dissertation),Katholieke Universiteit Leuven. Retrieved from ,
- Erwin Dekker and Blaž Remic,(2019) "Two types of Ecological Rationality: Or how to best combine psychology and economics",Journal of economic methodology ,pp291-306
- Eugenio Kavanagh, Andre (2019), Theories of Consciousness, Saeed Sabbaghipour, Tehran, Arjamand [In Persian]

- Farabi, Abu Nasr (1981), *Opinions of the People of a Virtuous City*. Translated by Seyyed Jafar Sajjadi, Tehran: Tahori, [In Persian]
- Foka-Kavalieraki, Y. and Aristides N. Hatzis (2011), "Rational after All: Toward an Improved Theory of Rationality in Economics", *Revue de Philosophie Economique*, Vol. 12, No. 1, pp. 3-51
- Ghalib, Fatemeh and others (2014), "an analytical review on the integration of agency and structure in Pierre Bourdieu's thought", *Contemporary Sociological Researches*, No. 6, pp. 117-143 [In Persian]
- Ghazali, Imam Muhammad, *Ihya Ulum al-Din*, Volume 1, Qom, Dar al-Kitab al-Arabi, [In Arabian]
- Gigerenzer, Gerd; Todd, Peter M. (2012); *The ABC Research Group (eds.). Ecological Rationality: Intelligence in the World*. New York: Oxford University Press. pp. 487-497
- Gill, John (2009). *Andalucía : a cultural history*. Oxford: Oxford University Press
- Heckethorn, C.W. (2011). *The Secret Societies of All Ages & Countries (Two Volumes in One)*. Cosimo Classics
- Ibn Sina (1404 BC) *Al-Shifa - Book of Evidence*; Corrected by Ibrahim Madkour; Qom: Ayatollah Najafi Marashi Library, [In Arabian]
- Javadi Yeganeh, Mohammad Reza, (2007), "sociological approaches of rational choice theory", *culture strategy magazine*, number 3, pp. 33-64 [In Persian]
- Johnson, Mark (2019), *Embodied Mind, Meaning, and Reason: How Our Bodies Give Rise to understanding*, Jahanshah Mirza Beigi, Tehran, agah publication [In Persian]
- Johnson, Mark (2019), *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Reason*, Jahanshah Mirza Beigi, Tehran, Aghah Publication [In Persian]
- Kahneman, D. & Tversky, A. (1979). "Prospect theory: An analysis of decision under risk". *Econometrica*, No. 47, p. 263-291
- Kahneman, D. & Tversky, A. (2000). *Choices, Values and Frames*. Princeton University Press. Kamro ,
- Kahneman, D. (1994). "New challenges to the rationality assumption". *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, 150(1), p. 18-36.
- Karaib, Ian (2012), *Modern Social Theory*, Abbas Mokhbar, Tehran, Aghah Publication [In Persian]

- Keith Meslin (2015) - Philosophy of Mind - Mehdi Zakari, Tehran, Scientific and Cultural Publications[In Persian]
- Kenny, Anthony(2006), A New History of Western Philosophy, vol.1, Oxford University press,
- Khakpour, Mohammad (2019), "Nietzsche and Saeb: two petty thinkers", Philosophical Reflections, vol. 24[In Persian]
- Kirk; Raven; Schofield (1983), The Presocratic Philosophers (second ed.), Cambridge University Press. See pp. 204 & 235
- Kompridis, Nikolas (2000). "So We Need Something Else for Reason to Mean". International Journal of Philosophical Studies. 8 (3): 271–295
- Lacey, A.R. (1996), A Dictionary of Philosophy, 1st edition, Routledge and Kegan Paul, 1976. 2nd edition, 1986. 3rd edition, Routledge, London
- Lakoff, George, Johnson, Mark, (2021) Metaphors that we live by, Jahanshah Mirza Beigi, Tehran,agahpub [In Persian]
- Lamont, Michele (1987). "How to Become a Dominant French Philosopher: The Case of Jacques Derrida" American Journal of Sociology. 93 (3
- Lessenoff Michael (1996)-15 political philosophers of the 20th century, translated by Khashayar Dehimi, Tehran, Mahi publication[In Persian]
- Lewis A. Coser, (2004), Sociological Theories, Farhang Ershad, Tehran, Ney Publishing[In Persian]
- losee,john(2001),A Historical Introduction to the Philosophy of Science,Fourth edition, OXFORD UNIVERSITY PRESS,
- Machlup, Fritz (1978). Methodology of Economics and other Social Sciences, New York and London Academic Press. Inc
- Markie, P. (2004), "Rationalism vs. Empiricism" in Edward D. Zalta (ed.), Stanford Encyclopedia of Philosophy, Eprin
- Markwica, Robin (2018). Emotional Choices: How the Logic of Affect Shapes Coercive Diplomacy (First ed.). Oxford: Oxford University Press
- Marwala,(2017), Rational Choice and Artificial Intelligence, <http://arxiv.org/pdf/1703.10098>
- Mashhadi, Ali & Keshavarz, Ismail (2013), "Reflection on the Philosophical Foundations of the Right to a Healthy Environment", Islamic Law Quarterly of Imam Sadiq University, No. 2, pp. 47-70[In Persian]
- Moghaddis, Ali Asghar & Islam, Ali Reza, (2016)" Exploration of rational choice theory with emphasis on Michael Hector's opinions", Journal of Social Sciences of Ferdowsi University, pp. 211-175[In Persian]

- Motamedi, Mansour & Abdi, Wali (2012), "an analytical and critical approach to the concept of Logos from ancient Greece to the Church Fathers", Islamic Studies: Philosophy and Kalam, pp. 128-105[In Persian]
- Næss, Arne (1989) [1976]. Ecology, Community and Lifestyle: Outline of an Ecosophy. Translated by David Rothenberg. Cambridge, UK; New York: Cambridge University Press
- Nagl,L,2022, Digital Technology: Reflections on the Difference between Instrumental Rationality and Practical Reason, Kantian Journal, Vol. 41№ .
- Nash, Roderick (1990), The Rights of Nature, A History of Environmental ethics , University of Wisconsin Press
- Novack, George, (2005) Empiricist Philosophy, Parviz Babaei, Tehran, Azadmehr Publishing[In Persian]
- Oppy, Graham & Dowe, David (2011) The Turing Test Archived 20 March 2012 at the Wayback Machine. Stanford Encyclopedia of Philosophy
- Plato (1374), Republic, Fouad Rouhani, Tehran, Scientific and Cultural Publications
- Pojman, Louis, (2013), Environmental Ethics, Mohsen Talasi, Tehran, Development Publishing House
- Putnam.H(1960).Minds and Machines, ,university of newyork perss
- Qanbari, Hassan (2016), "the epistemological field of reason according to Aristotle:", Islamic Philosophy and Theology Quarterly, No. 53[In Persian]
- Ralph Hertwig,(2022) Studies in Ecological Rationality, Topics in Cognitive Science,
- Renani and others (2012), "criticism of classical rationality; Simon's bounded rationality approach", Comparative Economics Quarterly-Number 2-pp.77-99[In Persian]
- Renani-Mohsen and others (2016)-" Criticism of rational choice from the point of view of competing approaches": Economic Studies Quarterly-Number 73[In Persian]
- Ritzer, George (1995), Sociological theories, Mohammad Sadaq Mahdavi et al., Tehran, Shahid Beheshti University Press. [In Persian]
- Ritzer, George (2003) Sociological theory in the contemporary era - translator: Mohsen solasi, Tehran, scientific publication[In Persian]
- Sahotra, Sarkar (2011) , A Companion to the Philosophy of Biology, WileyBlakwell Publication
- Sajjadi and Vadigran, (2017) "Explanation of the epistemology of Gilles Deleuze and Allameh Tabatabai and criticism of the challenges of rhizomatic

approach", epistemological studies in Islamic University, Volume 2[In Persian]

Sajjadi, Syedmehdi, Panahan, Maryam (2013), "a reflection on the evolution of the concept and place of reason in the ancient Greek and medieval periods and its implications for education", Shahid Chamran University Educational Sciences Journal, number 2, pp. 25-44[In Persian]

Schmidt, D. (1993), "Reasons for Altruism", Social Philosophy and Policy, Vol. 10, No. 1, pp. 52-68

Searle, J. R. (2007). Freedom and Neurobiology: Reflections on Free Will, Language, and Political Power. Columbia University Press

Sedighi, Behrang (2009), "Anthony Giddens' Theory of Construction", Social Research Quarterly, No. 9, pp. 141-167[In Persian]

Shrader-Frechette, Kristin (1987). "Reviewed Work: Respect for Nature: A Theory of Environmental Ethics by Paul W. Taylor". Ecology Law Quarterly. 14(۲)

Simon, H. (1990). Bounded Rationality. In: Utility and Probability. J. Eatwell, M. Milgate & P. Newman (Eds.). New York: Norton.

Simon, Herbert A. (1955). "A Behavioral Model of Rational Choice". The Quarterly Journal of Economics. 69 (1): 99–118

Singer, Peter (1989), All Animals are Equal, New Jersey

Smith, V. L. (1991). "Rational Choice: The Contrast between Economics and Psychology". Journal of Political Economy, 99, 877–897/

Spinks, Lee (2008), Friedrich Nietzsche , translated by Reza Valiyari, Tehran, Nashmarkaz

Stroll, Avrum, (2012) Twentieth-Century Analytic Philosophy, Fereydoun Fatemi, Tehran, Merkaz pub, [In Persian]

Stuart J. Russell and Peter Norvig,(2010) Artificial Intelligence A Modern Approach,prentice hall

Stenmark, Mikael, Rationality in Science, Religion, and Everyday Life, University of Notre Dame Press (1995)

Taylor, Seth (2013) Left-Wing Nietzscheans: The Politics of German Expressionism 1910-1920, Walter de Gruyter

Tosli, Gholam Abbas (1400), Sociological Theories, Tehran, Samet Publications [In Persian]

Tshildzi Marwala(2017), Rational Choice and Artificial Intelligence, University of Johannesburg

Turner, Janathon H (1998), the structure of sociological theory, wadworth publishing company

Wali Abbas, Mohammadi Mohammad Karim (2011), "Politics as Communicative Rationality", Specialized Quarterly of Political Science, Vol 14

Weber, Max (1382), Protestant ethics and the spirit of capitalism, Abdul Karim Rashidian, Tehran, Scientific and Cultural Publications [In Persian]

Wilkinson, N. & Klaes, M. (2012). An Introduction to Behavioral Economics.

Hampshire: Palgrave Macmillan. Youngsteadt, E. (2008). Case Cl

